

سال نو

امیرفیض- حقوقدان

به ایرانیان گرامی سال نورا یاد آوری میکنم. خواهش دارم انتظارشادباشی را از ارادتمند نداشته باشید؛ زیرا به تظاهر عادت چندانی ندارم و لذا نمیتوانم که با شادی مجازی مانوس شوم و آنرا هم به دوستان خود تقدیم دارم.

وجدان سیاسی ما حکم میکند که شرمسار و خجلت زده باشیم که سال گذشته همانند سالهای قبل کاری برای نجات ایران نکردم و چه افسوس که در سال گذشته مسئله تحمیل تحریم سیاسی اعلیحضرت هم مزید بر علت شرمندگی شد؛ و در این باب کار مثبتی که بتوان این ننگ تاریخی را از دامان مبارزه ما ایرانیان پاک کند نکرده ایم.

من نمیدانم چگونه ممکن است در حالیکه کشور ما در حیطه تصرف قومی وحشی و غارتگر گرفتار است و شاه ما هم در چنگال سیاست خارجی ایالات متحده ممنوع از فعالیت سیاسی در تکلیف است بتوان شادی حقیقی داشت و آنرا به دوستان تقدیم کرد.

تصور نمیکنم وقتی عزیزی از ما و یا فرزند ما در مصیبت گروگان بودن است؛ ما دل و دماغ تبریک گفتن و شادی کردن را داشته باشیم که بتوانیم آنرا با دیگران شریک شویم. حکیم فردوسی از این سنت مردانه ایرانی چنین یاد کرده است:

یکی نامه سوی برادر به در نبشت و سخنها همه یاد کرد
که این خانه از پادشاهی تهی است نه هنگام پیروزی و فرهی است

**

برای شادی و شاد بودن نمیتوان موقعیت و یا کم و کیف خاصی را شناسایی کرد؛ کسانی هستند که با یک وعده خوراک شاد و خوشحال میشوند و کسانی هم هستند که با هیچ چیزی شاد نمیشوند؛ ولی در کارهای اجتماعی آنجائی شادی و متعاقب آن تبریک و اشتراک در شادی بوجود میآید که شادی در نتیجه موفقیت باشد مانند بهبودی بعد از بیماری و یا نجات از ورشکستگی و امثال آنها.

ولی در کار سیاسی معیار موفقیت و بروز شادی، انتخاب شده است و آن پیروزی صحنه ای در مبارزه علیه دشمن است؛ اشتیاق رسیدن به شادی ناشی از پیروزی صحنه ای تا چه رسد به نهانی موقعیتی در حالت و روحیه مبارزین راستین ایجاد میکند که نمیتوانند خود را شریک شادی های غیر سیاسی بنمایند؛ و اینجاست که وقتی مبارزه بسیار طول میکشد آنهم بدون دستآورد و یا موفقیتی کم کم روحیه مبارزین هم تغییر میکند و باصطلاح دوغ و دوشاب برایشان یکی میشود متأسفانه این حالت در همه مامبارزین کم و بیش بوجود آمده است.